



تحلیل ارکان و شگردهای بلاغی اخوانیات در نسخه خطی مخزن الانشاء

کسری بقائی پور^۱

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران.

بهرام پروین گنابادی^۲

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۴

چکیده

اخوانیه و اخوانیه سرایی یکی از گونه‌های دیرپای ادبیات فارسی و جزو زیرشاخه‌های ادب غنایی است که نویسندگان از سده‌های نخستین ادب فارسی، بدان توجه داشته‌اند. درونمایه اخوانیه‌ها بسیار گسترده است؛ اما بیشتر حول محورهای ستایش از دوستان اهل فضل و ادب، احوال‌پرسی‌های دوستانه، شکوه و گلایه‌های خصوصی، شکایت از روزگار و اهل روزگار، طنز و طیب ... می‌چرخد. پژوهشگران و محققان ادب فارسی اعتنای چندانی به این خرده ژانر ادبی نداشته‌اند و تحقیقات بسیار کمی در این زمینه به سامان رسانده‌اند در این پژوهش، ضمن بررسی اجمالی تاریخچه

۱. k.baghaei52@yahoo.com

۲. p.bahram47@yahoo.com

اخوانیه، نمونه‌های آن را در نسخه خطی مخزن الانشاء اثر علی اکبرخوانساری و به خط محمدرضابن محمدرحیم کلهر، بررسی و گونه‌های مختلف آن دسته‌بندی و برخی شگردهای بلاغی آن نشان داده شده است. استنتاج این پژوهش نشان می‌دهد گسترش ابزارهای گوناگون ارتباطی در گذر روزگار، از رونق اخوانیه‌سرایی کم نکرده است و با وجود دگرگونی‌های بسیاری که ساخت و درونمایه نامه‌ها و رقع‌های دوستانه در سده حاضر به خود دیده است هنوز به سنت اخوانیه‌سرایی توجه می‌شود.

از منظر ادبی، برآیند پژوهش نشان می‌دهد که نویسنده این کتاب و مشخصاً در نامه‌های اخوانی توجه خاصی به جناسها خصوصاً جناس‌های اشتقاق - که در سجع‌سازی اهمیت دارند - و جناس نقطه بسامد زیادی است.

توجه به عناصر طبیعت، واج‌آرایی و تکرار از دیگر شگردهای تأثیرگذار متن است. همچنین اطناب‌های ممل و استعمال افعال بیشتر به سبک خراسانی، از ویژگی‌های سبکی و زبانی این اخوانیه است.

کلیدواژه‌ها: مخزن الانشاء، نامه نگاری، اخوانیه، اخوانیه‌سرایی

مقدمه

نامه پیامی است که در ضرورتی یا موضوعی برای کسی یا جایی فرستاده می‌شود و برطرف کننده نیازهایی در روابط بین افراد است و «اگر در نوشتن آن دقت شود، به طوری که افکار و احساسات و عواطف نویسنده در آن منعکس شود، جنبه ادبی پیدا می‌کند» (دانشگر، ۱۶: ۱۳۸۳) نامه‌ها در ادبیات اعم از منظوم و منثور جایگاه و اهمیت ویژه‌ای دارند. نامه و نامه‌نگاری در ادبیات فارسی سابقه‌ای طولانی دارد و شاعران و نویسندگان ادب فارسی در زمینه‌ها و مسائل مختلفی با همدیگر مکاتبه داشته‌اند و انواع مختلفی از ترسلات با نامه‌ای: نامه‌های دیوانی، اخوانی، سلطانیات و ... از فرهنگ گذشته بر جای مانده است. شرایط اجتماعی روزگاران قدیم و نبود امکانات ارتباطی پیشرفته در میان مردم، در تقویت این فن نقش مهمی داشته و نامه‌نگاری را به یکی از عناصر مسلط ارتباطی در جوامع قدیم بدل کرده

است. سابقه نامه‌نگاری در ایران به پیش از اسلام بر می‌گردد. جستجو در منابع مختلف نشانگر آن است که این فن در ایران باستان، به ویژه در دوره ساسانیان رواج چشمگیری داشته است. با این همه نشانه‌های زیادی از این آثار بر جای نمانده است و آگاهی‌های ما محدود به یادکرد نویسندگانی است که در دوره اسلامی، فرهنگ ایران ساسانی را به زبان عربی گزارش کرده‌اند. از این رو، «بامطالعه و تحقیق در آثار مورخان ادب عرب و نیز محققان و نویسندگان ایرانی نژاد، در قرون اولیه اسلامی و تطبیق روایات آنان با مختصر آثار موجود یا معلوم می‌توان بخوبی دریافت که این قسم از اقسام نثر در ایران پیش از اسلام، با شرایط و ضوابط فنی خاص خود، شهرت و رواجی تمام و در فن نثر نویسی ارزش و مرتبتی خاص داشته و چنانکه بیشتر محققان و مورخان قدیم و جدید بدان تصریح کرده‌اند؛ قواعد و مختصات آن، از طریق ترجمه، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در دواین خلفا تقلید شده و اثر گذاشته و در تکوین و تکامل مکاتیب و ترسلات زبان عربی بعد از اسلام، سهمی به سزا داشته است» (خطیبی، ۱۳۷۵: ۲۸۴) این فن بعدها بسیار مورد توجه قرار گرفت و در دربارها و مناصب حکومتی به عنوان عنصر مسلط ارتباطی مورد توجه قرار گرفت. یکی از گونه‌های مهم نامه‌نگاری که بعدها از دل همین ترسلات شکل گرفت، نامه‌های اخوانی یا اخوانیات است که آن طور که از پژوهش در باب مکاتیب و ترسلات ادبیات فارسی برداشت می‌شود، ظاهراً این گونه در ابتدا خاص نثر فارسی بوده است؛ اما بعدها به دلیل جذابیت و ظرفیت‌های خاص شعر که قدرت انگیزش و جذابیت بیشتری داشته است، بخشی از اخوانیات در قالب شعر سروده شده‌اند. از آنجا که نامه‌های اخوانی ماهیتی غیر رسمی و فارغ از قیل و قال دربار و مناصب حکومتی داشته‌اند؛ شاعران این امکان را داشته‌اند که مسائل شخصی و منویات درونی خود را بی‌پرده بیان کنند. بنابراین این نامه‌ها نکات قابل توجه و حائز اهمیتی در خود دارند که بررسی و واکاوی آنها می‌تواند نکات مبهم بسیاری را روشن کند.

اهمیت و ضرورت تحقیق

در عصر ما که به عصر ارتباطات و اطلاعات معروف است ارتباطات سریع و به سهولت انجام می‌گیرد. وجود امکاناتی مانند مخابرات، اینترنت و تلفن و... هر چند سبب شده که نوشتن نامه کم‌رنگ شود. کاتبان و منشیان جایگاهی را که در گذشته داشتند از دست بدهند. دیگر وزارت خانه مستقلی به نام دیوان رسایل وجود ندارد دیوانی که در گذشته از اهمیت والایی برخوردار بود. وظایف خطیری که بر عهده صاحب دیوان بوده از نوشتن مناشیر و احکام سلطانی و جواب نامه‌های رسیده و به عرض رساند اخبار واصله و نگارش نامه‌های رمزی و محرمانه و طرف مشورت سلطان قرار گرفتن و... همه حاکی از اهمیت این نهاد باشد. (راوندی، ۱۳۵۹:۴۷۳)

نامه به عنوان یک وسیله ارتباطی هر چند کم ارزش تر و کم اهمیت تر شده است. اما برخی نویسندگان به صورت جدی یا طنز به دیگران نامه نوشته و مسائل مختلفی مانند شوخی و مزاح، استقبال یا وداع، یادکرد، تبریک و تسلیت، تقدیر، معذرت خواهی، درخواست، مدح و ستایش، گلایه و شکایت و ... را مطرح کرده‌اند که موجب سنجیدگی و پختگی و فصاحت بیشتری می‌شود و تأثیر سخن را افزایش می‌دهد و بررسی و شناخت این گونه نوشته‌ها و تحلیل جنبه‌های مختلف این نوع از سخن، ما را در درک بهتر و شناخت دقیق تر سبک و سیاق سخن، میزان مهارت و هنرمندی و فضاها و نویسندگی رهنمون می‌گردد. کتاب مخزن الانشاء از جمله آثاری است که این نوع نوشته در آن به کار رفته و در میان شخصیت‌های مختلف در این کتاب این نامه‌ها به شکل‌های گوناگون که در بالا ذکر شده رد و بدل شده است.

پیشینه تحقیق

پیشینه پژوهش درباره اخوانیه تاکنون تحقیق مفصلی صورت نگرفته است. در آثار موجود، بیشتر اطلاعاتی کلی، اندک و پراکنده درباره اخوانیه در آثار منثور فارسی وجود دارد. و یا اشاراتی بسیار کوتاه به اخوانیه داشته‌اند. حسینی (۱۳۷۴) در کتاب مکاتبات منثور و منظوم شعرا و فضیله نامی ایران، بخشی از نامه‌های منثور و منظوم نویسندگان و شاعران را

گردآوری کرده است در مورد بررسی اخوانیات در آثار سنتی، دکتر حسین خطیبی در « فن نثر» ساختار آنها را درمتون نثر بررسی کرده است اما بررسی اخوانیه‌ها ر قالب پژوهشی مستقل و خصوصاً در کتاب مخزن الانشاء تا جایی که جستجو شده، انجام نشده است. در این مقاله اخوانیات درمخزن الانشاء اثرعلی اکبرخوانساری ازجنبه‌های مختلفی مانند مخاطبان، زبان و لحن، دلایل نوشتن، مضامین و محتوای نامه‌ها، قالب، فضا سازی، میزان تطابق نامه و پاسخ، تعیین ارزشهای هنری و ادبی نامه و جوابیه‌های آنها مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

بیان مسأله و سوالات تحقیق

یکی از پرسش‌های اصلی پژوهش این است که آیا با وجود آنکه دامنه ابزارهای ارتباطی درروزگار معاصر روز به روز گسترده شده‌است، نامه‌های دوستانه و اخوانی همچنان رایج و مرسومند؟ دیگر اینکه آیا در فرآیند دگرگونی‌هایی که نثر فارسی در روزگار ما پشت سر گذاشته است، خرده ژانر اخوانیه به فراموشی سپرده شده است؟

مروری بر نامه‌ها و اخوانیه‌ها در ادب فارسی:

بررسی مکاتبات اعم از سلطانیات و یا اخوانیات، تحت عنوان‌های مکاتیب، رسایل، مشات، رقعات، نامه‌ها و ... در گذشته با توجه به جغرافیای کلام بسیار ضروری و با اهمیت است. بدین جهت که مکاتبات چه دیوانی و چه اخوانی بیانگر حکایت‌هایی از تاریخ هستند. این گونه مکاتبات توسط دبیران و منشیانی با سواد، خوش خط، آراسته به فضل و کمال و آگاه با امور زمان انجام می‌گرفت: فن دبیری و انشا رسایل دیوانی در ادبیات ایران پس از اسلام به صورت رشته‌ای مخصوص از فنون سخن تجلی کرده است. نامه‌ها حتی در دوره‌های پیشتر نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند؛ از مهم‌ترین نمونه‌های نامه در دوره قبل از اسلام می‌توان به نامه حضرت سلیمان اشاره کرد که در قرآن مجید هم از آن سخن به میان آمده است در دوره بعد از اسلام نیز نامه‌های پیامبر(ص)، امام علی(ع)، امام حسین(ع) به مردم کوفه و ... قابل ذکرند. شاید بتوان نخستین دبیر رسمی دربار ملوک ایران پس از اسلام را محمد بن وصیف، دبیر رسایل یعقوب لیث صفاری دانست. پس از وی در قرن چهارم دبیران نامداری

همچون بونصر مشکان صاحب دیوان رسالت سلطان محمود غزنوی و پسرش سلطان مسعود و همچنین شاگرد او ابوالفضل بیهقی دبیر دیوان رسال محمود و مسعود پدید آمده‌اند که انشاء ترسل را در فارسی به مقامی عالی از فصاحت و بلاغت و آنچه لازمه سیاست در سخن است رسانیده‌اند. (راوندی، ۱۳۵۹: ۴۲۵)

قدیمی‌ترین کتبی که به صورت منشات در دست داریم عبارتند از: مجموعه‌هایی که دو دبیر عالی مقام اواسط قرن ششم هجری از منشات خویش جمع‌آوری و تالیف نموده‌اند. رشیدالدین دبیر مشهور خوارزمشاهیان و دیگری همکار معاصروی منتجب‌الدین بدیع اتابک جوینی منشی و صاحب دیوان انشاء سلطان سنجر که منشات دیوانی و اخوانیات خود را در مجموعه‌ای به نام عتبه الکتبه گردآورده است، پس از این دو دبیر، تدوین منشات شایع و معمول گشت و در هر عصر مجموعه‌هایی از منشات ترسل جمع و تالیف می‌گردید. (همان: ۴۵۴)

منشات دیوانی یا اصطلاح سلطانیات، نامه‌هایی بودند که توسط دبیران، منشیان یا کاتبان از زبان سلاطین و امرا به سلاطین و امرای دیگر و صاحب منصبان و فرودستان و یا بالعکس نوشته می‌شدند.

اخوانیات نامه‌هایی بودند که توسط دبیران و منشیان به طور خصوصی برای آشنایان و دوستان نوشته یا سروده می‌شدند. اخوانیات نامه‌های خصوصی و دوستانه مجال سخن وسیع است نکته گویی، غزل‌سرایی گله‌گزاری، لطیفه‌پردازی، مزاح ایراد اشعار طولانی، نکته‌سنجی‌های ادبی و ... را دارد. (همان: ۴۷۳)

در حقیقت اقبال عمومی به نامه‌ها که از صمیمی‌ترین قالب‌های ادبی هستند، به گونه‌ای بوده است که نامه نگاری به عنوان یک قالب پرطرفدار در دوره‌های مختلف کارآیی داشته و وقتی پرونده ادبی نویسنده یا شاعری را از ابتدا تا انتها ورق می‌زنیم، در میان آثارش اغلب، از نامه‌ها هم نمونه‌هایی پیدا می‌شود. حتی بزرگان سیاسی و عرفا هم از این نکته به دور نمانده‌اند.

بنابراین می‌توان گفت یکی از قالب‌های نوشتاری که پا به پای تاریخ و ادبیات ما جلو آمده و در راستای تغییرات آنها دستخوش تحولات ساختاری و زبانی شده و سرزندگی و توانایی خویش را حفظ کرده است، نامه‌نگاری است و مترسلان آگاه و نویسندگان بصیر، گاه کتاب‌هایی را نیز در این زمینه تألیف کرده و به آداب آن اشاره کرده‌اند.

اخوانیه یا نامه‌های اخوانی به چه معناست؟ پیش از ورود به بحث اخوانیات در روزگار معاصر، نخست بایسته است تعریف دقیقی از مفهوم اخوانیه ارائه کنیم. در تعاریفی که پژوهندگان از اخوانیه به دست داده‌اند، بر ویژگی‌های مهمی تأکید شده است که تا حدود زیادی دامنه شعر اخوانی را مشخص می‌کند. گفتنی است در این تعاریف، اختلاف نظرهای چندانی دیده نمی‌شود. به نظر می‌رسد بیشتر محققان بر سر ماهیت اخوانیات هم داستان هستند و تنها گاهی در دامنه و درونمایه‌های این گونه از اشعار، اختلافات اندکی میان آرای آنان دیده می‌شود. از جمله در تعریف اخوانیات گفته‌اند: «نامه‌های منظومی که بین شاعران به یک وزن و قافیه رد و بدل می‌شود و در آن معمولاً از بخت و روزگار شکوه سر داده و از یکدیگر تمجید می‌کنند. این واژه در یتیمه‌الدهر (مثلاً در ذکر ابن العمید) آمده و در ذکر ابوالفتح بُستی از اخوانیات او یاد شده است. اخوانیات از آنجا که سخن‌های دو یار دیرین است که محبت خود را به یکدیگر اظهار می‌کنند و از آسیب‌های زمانه به یکدیگر گلایه می‌برند، معمولاً از اشعار بلیغ و موثر زبان فارسی است» (شمیسا، ۱۳۸۷: ۲۵۲) همچنین در این باره نوشته‌اند: «اخوانیه نویسی یکی از اغراض قدیمی شعر فارسی است که موضوعش معمولاً گفت و گو با دوستان است - خاصه دوستانی که خود شعر می‌گویند و مضمونش درد دل با آنان یا تمجید و تحبیب و تقبیح و گله از آنان، یا دلداری دادن به آنان است. و زبان و کلام در خیلی از موارد با شوخی و لاغ و طبیت و طنز در می‌آمیزد و چون معمولاً خطاب به دوستی است که خود شعر می‌گوید، پاسخ آن نیز با اخوانیه ای از آن دوست داده می‌شود (همایون- کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۵۹، ۶۰). خالقی راد با تأکید بر معنای لغوی این واژه، در تعریف اخوانیه گفته است: «همانگونه که از مفهوم این واژه برمی‌آید، نوعی از شعر است که در آن روابط دوستانه

شاعر مطرح می‌شود، زیرا اخوانیات یعنی آن چیزهایی که مربوط به برادران و دوستان است» (خالقی راد، ۱۳۷۵: ۵۰) وی سپس با اشاره به قالب شعر این گونه ادبی، به ماهیت این گونه از شعر می‌پردازد و درونمایه‌های احتمالی آن را بر می‌شمرد: «غالباً همان مطالبی که در نامه‌های دوستانه مطرح می‌شود در اخوانیات نیز ملاحظه می‌گردد، مطالبی از قبیل درد دل، گله و شکایت، بیان احوال، طنز و هزل، تقاضا، سوال، جواب، و غیره» (همان: صص ۵۱، ۵۰). با تکیه بر درونمایه‌های موجود در این گونه نوشته‌ها می‌توان گفت: نوشته‌هایی که در آنها نویسنده، متن نامه یا اثر یا دانش و فضل نویسنده دیگر را می‌ستاید و یا از وی چیزی خواهد، یا از وی گله‌ای دوستانه می‌کند. همچنین از منظر محتوا، در تعریف اخوانیه نوشته‌اند: «اخوانیات به - نوشته‌هایی گفته می‌شود که در و نمایه‌های غنایی و عاطفی دارند و در حقیقت نامه‌های منظوم و مهرآمیز و احساس‌انگیز شاعران و نویسندگان است خطاب به دوستان یا عزیزانشان» (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۶) چنانکه ملاحظه شد، در تعریف اخوانیه اختلاف نظر چندانی میان محققان وجود ندارد؛ و در مجموع، می‌توان ویژگی‌های اخوانیه را چنین برشمرد:

زبان اخوانیه‌ها به دلیل غنای عاطفی، ساده و بی‌تکلف است. درونمایه اخوانیات متنوع است. این درونمایه‌ها از درد دل گرفته تا شکایت از روزگار، بخت، درخواست از دوستان و ... را در بر می‌گیرد.

تعاریف، مفاهیم نظری

انواع اخوانیه

اخوانیه‌های شخصی (احوال‌پرسی‌های دوستانه) ۲. اخوانیه‌های مدحی ۳. اخوانیه‌های شکوه آمیز ۴. اخوانیه‌های اجتماعی یا گلایه از شرایط روزگار ۵. اخوانیه‌های پرسش و پاسخ؛ ۶. اخوانیه طنزآمیز ۷. اخوانیه‌های طلبی ۸. اخوانیه‌های عذرخواهانه.

اخوانیات منشور به آداب و بیان خاصی نوشته می‌شدند و دارای ارکان اصلی و فرعی بودند که ارکان اصلی آنها عبارت بود از:

رکن صدر مکتوب یا صدرنامه

با دعای مختصر به فارسی یا عربی و گاهی نعوت کوتاه همراه بود. اگر نامه به بزرگان و دوستان نوشته می شد آوردن دعا و ثنا واجب بود. دعای صدر نامه غالباً کوتاه و به زبان فارسی است. مانند زندگانی فلان دراز باد، زندگانی مجلس سامی دراز باد، انواع خطابه‌ها و القابی را که همراه دعای صدرنامه می آید بر حسب شان و مقام مخاطب آورده است. (پروین گنابادی، ۲۳۹:۱۳۸۴)

رکن اشتیاق

که در واقع برای اظهار هواخواهی و نشان دادن دلبستگی نویسنده به مخاطب است و با جمله‌هایی نظیر: بی سعادت او روز نیک فرجامی ندارد. که برای یاران و دوستان که یک درجه از کاتب برتر باشند. این رکن از انشا زیباترین رکن نامه است. خطیبی و قلقلندی اخوانیات منشور را نوعی غزل می دانند اگر نویسنده از مخاطب تقاضایی دارد باید آن را با مقدمه چینی خوش و دل‌انگیز که آن را تشبیب می‌نامند آغاز کند و از تشبیب به مقصود خود پیوندی بزند با این تشبیب تخلص می‌گویند. (همان، ص ۲۳۹)

نمونه‌های آن

مخدوم بنده مولای من رقعہ خط شریف را زیارت کردم مرا به سیر و صفا و گلگشت باغ و صحرا دعوت فرموده بودید جزای خیر بادت لطف فرمودی کرم کردی ... مرغ دل آتش غم اینک هست گر حرص بود و مرغ بریانم با چشمه چشم خون فشان فارغ از ماء معین و روح ریحانم که در باب مقایسه کار پیران با تجربه و جوانی و ترحم بر افراد پیر به پاس خدمت‌هایی که کرده‌اند و گوشه‌گیری اختیار کنند و اواخر عمر خود را با مقرری که دارند به سر کنند. که در اخوانیه‌های طلبی به کار می‌روند که درخواست خود را بیان می‌کنند.

یا در این نمونه که به شرح زیر بیان می‌شود در قالب اخوانیه‌های شکوه‌آمیز است که از هم دوره یا دوست خود گله و شکایت سر می‌دهد و دلایل رنجش خود را از او بیان می‌کند و در ابتدای نامه هم با توصیفی از او شروع می‌کند:

خلیل جلیل من دلی از دست تو خسته دارم و خاطری به مهرت پیوسته اگر پذیری و نپذیری مرا از توگریزی نیست ... اگر چه جمله خطا باشد و اگر مرا خود قابل این گونه یک جهتی نمی دانی باری بگوی تا من نیز از مقدار خویش شناخته به سیاقی که در خور باشم پرداخته باشم تا در طریق بندگیت به قدمی سست بیهوده نپویم و از الطاف خداوندیت به طمع خام زیاده نجویم والسلام.

در این رقعہ گلہ آمیز علاوه بر شرح اشتیاق دارای خاتمه مکتوب نیز می باشد که در پایان آورده و با شعر و حدیث آن را بیان کرده است .

رقعه گلہ آمیز به حیرتم که چرا خواهام به هیچ فروخت اگر غلام نمی خواست می خرید از چه بنگر ای خواه تا چه فسادت کفی لک عاراً اننی عنک راحل سبحان الله چرا چنین شد گوئی خوابی بود یا شرابی در خواب شدیم و باز بیدار شدیم یا مست شدیم و باز هشیار شدیم باری پایه و مایه خواجگی ات همین بود... و له ایضاً دیگر چه گویم یا خود چه جویم

به هوس بیهوده دادیم دل از دست دریغ که آنچه جستیم و ندیدیم ز کس با دل بود

در حقیقت خود به خود می باختم عشق و با خود را ز خود نشناختیم

وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ (بروج آیه ۹) ایضاً والسلام.

خاتمه نامه:

پایان نامه با جمله هایی دعایی نظیر زندگانی فلان در کامرانی و شادمانی دراز باد؛ همراه است. بیهقی، بهالدین بغدادی و جوینی معتقدند که چون خوانندگان نامه به مطلع، مخلص و مقطع بیشتر توجه دارند باید نامه با نیکویی پایان پذیرد.

با توجه به بررسی در انواع نامه ها از نظر ارکان اصلی (اشتیاق و مکتوب) نتیجه در جدولی به شرح زیر آمده است :

در تقسیم بندی ارکان اصلی نامه های اخوانی بعد از تحقیق و بررسی ۱۸ مورد شرح اشتیاق و ۱۱ مورد رکن مکتوب می باشد که با توجه به شروع و پایان نامه های دارای رکن اشتیاق ۳

مورد پایان نامه‌ها با آیه‌های قرآنی و ۵ مورد با شعر و ۱۰ مورد با کلمه والسلام است که در جدولی به شرح زیر ترسیم شده است:

شرح اشتیاق	آیه	شعر	والسلام
	۳	۵	۱۰

ارکان فرعی اخوانیات:

اعلام وصول نامه: تاریخ وصول و نام آورنده آن؛ سلام و تحیت در صدر مکتوب و معمولاً قبل از شرح اشتیاق خبردادن از سلامت حال خود و دیگران و ذکر انتظارات از مخاطب مانند انتظار دریافت نامه و تقاضای ارجاع اوامر اخوانیاتی که در کتب ترسل و انشاء آمده است تاریخ ندارد. اما میهنی بی‌تاریخ بودن نامه دوستانه را دور از ادب می‌داند. (پروین گنابادی، ۱۳۸۴: ۲۳۸)

اخوانیات از ادوار پیشین تا عصر مشروطه بیشتر توسط دبیران و منشیان و کاتبان درباری و کمتر از جانب شعرا و فضلا مرسوم و معمول بود در دوره مشروطه و بعد از آن بین دو قشر اهل علم و ادب بالاخص در حوزه هنر متداول گردید.

با توجه به ویژگی‌های اخوانیات و نامه‌های دوستانه در زمان‌های گذشته به بررسی آن در نسخه خطی مخزن الانشاء تألیف علی‌اکبر خوانساری به خط محمدرضا بن محمدرحیم کلهر پرداخته‌ایم؛ در بررسی‌های به عمل آمده؛ این کتاب دارای ۲۹ نامه با عنوان‌های عریضه، رقعہ، نامه به یکی از دوستان و مراسله بیان شده است. که از این تعداد ۱۶ مورد با عنوان رقعہ؛ ۵ مورد با عنوان به دوستی نوشته‌اند؛ ۲ مورد با عنوان مراسله؛ ۱ مورد با عنوان عریضه؛ ۱ مورد با عنوان در تعزیت دوستی؛ ۱ مورد به میرزا بزرگ نوری؛ ۱ مورد به علی آقا رشتی و ۲ مورد بدون عنوان شروع شده که در جدول به شرح زیر آمده است:

شروع نامه	رقعہ	عریضه	در تعزیت به دوستی	به	دوستی	به	میرزا بزرگ	مراسله	به	علی آقا	بدون
-----------	------	-------	-------------------	----	-------	----	------------	--------	----	---------	------

عنوان	رشتی		نوری	نوشته‌اند				
۲	۱	۲	۱	۵	۱	۱	۱۶	تعداد نامه

بر اساس بررسی‌های انجام شده انواع اخوانیه در مخزن الانشا به شرح زیر در جدولی بیان شده است:

اخوانیه های شخصی	اخوانیه های مدحی	اخوانیه های شکوه آمیز	اخوانیه های اجتماعی	اخوانیه های پرسش و پاسخ	اخوانیه های طنز آمیز	اخوانیه های طلبی	اخوانیه های عذرخواهانه	اخوانیه های مشترک
۴	۴	۵	۴	۲	۴	۱	۱	۳

تحلیل برخی از شگردهای بلاغی مخزن الانشا

نامه‌های اخوانی، مکتوباتی تأثیرگذار هستند که از دلایل این اثر گذاری‌ها استفاده از صنایع بدیعی و بیانی با بسامد قابل توجه در آنان است که برای نمونه، شگردهای بلاغی در سواد رقعہ به یکی از اطباء در متن زیر نشان داده می‌شود:

(رکن اشتیاق) واضع خط بندگی (کنایه از نویسنده) معروض می‌دارد که (چهار سطری خط آقا ابراهیم که رشک چهار خیابان گلزار تشبیه بلیغ اسنادی) ابراهیم و غیرت بخش روح و ریحان وجنه نعیم بود با قطعه ثلث خط شریف و پنج قطعه دیگر رسید اگرچه قطعات (مشبه) سبع در معنی صورت شاهد تمنا (مشبه به) (اضافه تشبیهی، تشبیه بلیغ اضافی) را هر هفت بود زیبا سرشت (مشبه) بل نمونه از قطعات بهشت (مشبه به) (تشبیه) (قطعات سبع به شاهد معنی تشبیه حسی به عقلی) لیکن از وصف قطعه خط ملازمان عالی چه نویسد که یاقوت (یاقوت به خطوط نامه تشبیه مضمر و مرجح) در پیش او عبده نوشته و علایک در السنه و افواه علا لاگشته (کنایه از شهرت و آواز) خط طبّاخ نزد پختگی خطش خام است و مفاد

علیکم به حسن الخط درباره آن تمام صیرفی اگر به صرافی (صیرفی و صراف جناس ناقص) جواهر خطش (اضافه تشبیهی) بساط جمال آراید سزاست (اغراق) و ابن مقله اگر سواد آن را با خامه مژگان (اضافه تشبیهی) بر بیاض (و سواد تضاد) دیده نگارد روا بی تکلف محرف نشینان کرسی خط را به رسم جرم بر خاک خجالت نشانده و غبارکسادی (اضافه تشبیهی) ریحان خط خوبان (اضافه تشبیهی) و تعلیق زلف معقلی (اضافه استعاری) مویان افشانده درستی خطش دل‌های (شکسته ایهام دارد: دل شکسته - خط شکسته) را تاثیر مومیائی بخشیده و ثلث صفای صفحه اش قلم نسخ (نسخ ایهام تناسبط نسخ - باطل کردن) بر ترسل کاکل و رقاع جمال جمیل جمله نوخطان کشیده اینکه در عوض یک قطعه مخلص هفت قطعه فرستاده‌اند چون مفاد مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَ مَنْ جَاءَ (انعام آیه ۱۶۰) (تضمین قرآنی) درباره آن ناتمام است به عطای سه قطعه دیگر تکمیل این عنایت شامله و عندلیب زبان را نغمه طراز نوای تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ (بقره آیه ۱۹۶) (تضمین قرآنی) خواهند ساخت باقی ایام اجلال و اقبال لایزال باد. پیوسته دماغ طبع (اضافه استعاری، استعاره مکنیه)) شریف نشاء یاب کیفیت فیوضات نشاتین باد.

۲- رقعه (رکن اشتیاق) خلیل جلیل (جناس نقطه) من دلی از دست تو خسته دارم و خاطری به مهرت پیوسته (خسته و پیوسته سجع) ... خاکم در دهن باد (کنایه) که حفظ رسم موافقت را از گفته حافظ همی بایدم گفت:

یا رب این آتش که بر (در) جان منست سرد کن ز آن سان که کردی بر خلیل

(حافظ غزل ۳۰۸)

۳- رقعه (رکن اشتیاق) چه روزها که با یاد آن خط شبه آسا (تشبیه) شب کردم و چه شبها که با خیال آن روی دل افروز روز نه در فراق تو بودم نه در وصال تو بودم همی بیاد تو مستغرق خیال تو بودم اگر چه عنان اشهب لطف و ادهم قهرت (اضافه تشبیهی) بدست قاید خیالم بود سطوات مهرت نگذاشت که از خطوات معهود تو گامی تجاوز تواند کرد

گاه به گاه با خود مهربانت ساختمی ولی نه چندان که دل می‌خواست و بیگه و گاهست به خود سرگردان داشتمی ولی نه چندان که غیر می‌جست و بالجمله در دست قهرمان (اضافه استعاری - مکنیه) مهرت مقهورم چه در غیابم و چه در حضورم (غیاب و حضور تضاد) والسّلام.

(توبودم تکرار ویژگی زبانی) / ساختمی و داشتمی ویژگی زبانی)
همی به جای می (همی بایدم گفت) پیروی از سبک کهن خراسانی کاربرد به شکل قدیم خراسانی می استمراری (داشتمی و ساختمی)
عرقه گله آمیز

(رکن اشتیاق، اخوانیه گله آمیز) یا غایه مقصودی آخر نه کم از قاصدی و کتابی اگر همه عتابی باشد آخر چه باشد که دیدگان در ماه انتظار سفید را از مدادی سواد فرستمی و سیاه‌روزان (کنایه) تیره روزگار را (سبک شناسی زبانی) از بیاض صفحه ضیائی بخشی والسّلام.

۵ رقعہ (رکن اشتیاق) اگر در مجاری عالم بسط مقالی خواهی از بس ملالم مجالی نیست (نغمه حروف - واج آرای) و اگر از موجبات ملالم پرسی چه گویم (نسبت به جمله قبل طرد و عکس دارد) که پذیرای مقالی نیست همی دانم که هیچ ندانم و همی جویم که هیچ نجویم و همی گویم که هیچ نگویم ولی آنکه می‌داند همی گوید بجو و آنکه می‌جویم همی گوید بگو و له والسّلام شباهنگام است و اینک آفتاب خاوری در ظلمت کده خاک جای گزین چه شود اگر یک امشب آن خجسته مهر سپهر مهر با چهره فروزان ظلمت زدای دیده ما خاک‌نشینان آید نه ما خاکساریم و او مهرتابان (کل پاراگراف اعنات القرینه ها) و نغمه حروف دارد

۶ رقعہ (رکن اشتیاق) صیاد نه سبحان الله زهی بی‌انصاف هیچت حیف نیاید بر ما دلت نسوخت ندانم چرا نسوخت آن روز که بساط مهرت (اضافه تشبیهی) چیدم و غمت بر

نشاط (تضاد) گزیدم گمانم این بود که درین عهد کسی که از **عهده عهد** (جناس) درست و دل شکسته من برآید تو باشی ما را دلت نخواست ندانم چرا نخواست دلم را قدر ندانستی و این خود بسی شگفت نیست **جهان را حوصله در خور این حالت نبود** و دریغا که نبود و السلام.

۷ رقعہ گلہ آمیز (رکن اشتیاق) به حیرتم که چرا خواهام به هیچ فروخت اگر غلام نمی خواست می خرید از چه بنگر ای خواه **تا چه فتادت کفی لک عاراً آنی عنک راحل سبحان الله** چرا چنین شد گوئی خوابی بود یا شرابی

در خواب شدیم و باز بیدار شدیم یا مست شدیم و باز هشیار شدیم (شاعر نامعلوم) باری **پایه و مایه** (جناس) خواجگی ات همین بود

مگر خود نداری سر قید ما کمندت نتابید با صید ما (شاعر نامعلوم)
از این پس یک چند به کام خاطر فارغ (**استعاره مکنیه**) از زحمت **ملاقات** به هنگام و **مقالات (جناس قلب)** بی فرجام ما آسوده بمان ناخدائی که آن حالت را بدین ملالت پیوست باز چه انگیزد و السلام.

خاتمه مکتوب) و له ایضاً دیگر چه گویم یا خود چه جویم (گویم و جویم (جناس و سجع)

۱۸ تهمه رقعہ (به کاربردن کلمات دور از ذهن در این پاراگراف / نثر مصنوع و متکلف - کلمه های عربی - سجع های متوالی - کنایات دور از ذهن)

مقصودم این شد که هجوت کنم مدح شد و گفتم خواستم شکایت از تو برم پیش دادگر دستم بر آسمان و لبم در دعای تست رشته سخن بدست قاید شوق است **می کشد هر جا که خاطر خواه اوست (سعدی دیوان اشعار غزل ۱۰)** (تضمین) حقیقت این است **که از این دراز نفسی و دراز هوسی از لایم و واشی و خادم و حواشی نادم و متحاشی** (سجع های متوالی - مماثله) نیستم مرا خار درد دل است و خر در گل چه داند آن که

بیشتر می‌چراند بعد از عزیمت سرکار از این دیار به آن دیار ناخوش مزاج و صعب‌علاج افتاده‌ام یادت پرستار بیمار و غمت مونس و غمخوار دارم تا عاقبت کار چه خواهد بودن؛ **ای کس ما بی کسی ما بین؛ (نظامی، مخزن الاسرار)** (تضمین) اگر ملجن کردی مصحفش کردی درست خواندی کلمه حق بزبان راندی راستی ساعتی هم بمابده از ساعات خوب مرحوم والی که بهمه کس دادی در آن خوان یغماچه دشمن چه دوست ما که از دوستانیم و بلبل آن بوستان (سجع و جناس) اگر نداری یا همت دادن نداری مرا (پیروی از سبک خراسانی - از حروف متروک زبان فارسی تا قرن ۶۰۵ کاربرد دارد در سبک عراقی کاربرد کمتر دارد) همت ناستدن هست لله‌الحمد عذر مخواه و نذر مجو تا لافی آن ساعت به ساعت تلاقی صورت بندد که ساعت دیدار به زساعت بازار چنانچه شیخ شاهد باز شیراز می‌گوید (اصلاحی: یک دمه دیدار دوست هر دو جهانش بهاست سعدی، دیوان اشعار غزل ۴۸) یکدم دیدار دوست هر دو جهانش بهاست تا به شکرانه آن ساعت سوره **اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَأَنْشَقَّ الْقَمَرُ (قمر آیه ۱)** (تضمین) تا آیه سجده خوانده شود اتحاد ساجدُون مسجود مکشوف و نکته **اسطقس فوق الاسطقسات** معروف آید.

تا همه خلق بدانند که زناری هست (سعدی دیوان اشعار غزل ۱۱۱) (تضمین) درین بیان اگر از یاد رفته‌ام از غم هجران زیاد رفته‌ام ما را زفراق تو خرد هیچ نمانده است این بی‌خردی‌ها همه معذور همی‌دار (**پیروی از سبک خراسانی**) اینک به جسارت زبان درازی زبان خامه را سیاه بریده‌ام زبان بریده به کنجی نشسته صمّ و بکم (گلستان سعدی) به از کسی که نباشد زبانش اندر حکم به خسارت رازپردازی صفحه‌نامه را سپید دریده‌ام

دفتر صوفی کتاب و حرف نیست چون دل اسپید همچون برف نیست (مولانا)

(اصلاحی: مثنوی دفتر دوم دفتر صوفی سواد حرف نیست جز دل اسپید همچون برف نیست) باقی بقای تو گویم و لقای تو جویم (**سجع و جناس**) تمام شد این کتاب مستطاب مسمّی به مخزن الانشاء بحمدالله تعالی و حسن توفیقه فی یوم الخمیس عاشر شهر ربیع الاول سنه ۱۲۸۵.

۲۱ در جواب مراسله دوستی نوشته اند

(رکن مکتوب) **شَدَّ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُجِيبُنِي حِينَ أُنَادِيهِ (دعای افتتاح از یاران حضرت مهدی) الهی روزی گردد که مردم دیده رمد دیده را به بزم وصال (اضافه تشبیهی) دارم جمال روزی گردیده منظر نظرا از ایوان دیدار آن برادر کامکار چون نگارخانه چین آئین بندد و نرگسدان بصر را از گلزار رخسار (اضافه تشبیهی) آن یار نکوکار مانند حیب و بغل گلچین رنگین ببیند.**

مراد ما (دل) ز تماشای باغ عالم چیست به دست مردم چشم از رخ تو گل چیدن (حافظ غزل ۳۹۳)

نتیجه گیری

در دوران معاصر با وجود گسترش راههای ارتباطی، باز نوشتن نامه جایگاه خاصی دارد تاکنون تحقیقات ادبی بسیار کمی در این خصوص صورت گرفته، بررسی آن ضرورتی انکارناپذیر است. با وجود گسترش ابزارهای ارتباطی در روزگار معاصر و نیز تحولاتی که نثر فارسی در این زمانه پشت سر گذاشته است، سنت اخوانیه نویسی فراموش نشده است. در این پژوهش با بررسی پاره‌ای از اخوانیه‌های کتاب مخزن الانشاء، گونه مهم آن را به این شرح دسته‌بندی و برای هر کدام نمونه‌هایی در حوصله این نوشتار ذکر کردیم: ۱. اخوانیه-های شخصی که نویسنده بیشتر به قصد تفنن، احوال همدیگر را از طریق نوشته‌ای صمیمانه و عاطفی می‌پرسند و یادی از خاطرات خوش گذشته می‌کنند. ۲. اخوانیه‌های مدحی ۳. اخوانیه‌های شکوه آمیز: در این گونه از اخوانیه‌ها، نویسنده که به دلایل مختلف از افراد و هم دوره‌های خود دیگر آزرده خاطر شده است، نامه‌ای شکوه‌آمیز و دلایل رنجش خود را بیان می‌کند. ۴. اخوانیه‌های اجتماعی یا گلایه از شرایط روزگار ۵. اخوانیه‌های پرسش و پاسخ ۶. اخوانیه طنزآمیز ۷. اخوانیه‌های طلبی. در این گونه از اخوانیه‌ها، نویسندگان هنگامی که از دوست یا پادشاه یا وزیر خود، درخواستی دارند، این درخواست را در قالب

منشآت، رقعہ و یا نامہ‌های اخوانی بیان می‌کنند و ضمن تعریف و تمجید از دوست خود، درخواست خود را بیان می‌کنند ۸. اخوانیه‌های عذرخواهانه: در این گونه از اخوانیه‌ها، نویسنده درصدد جبران قصور خود نسبت به یکی از دوستان است و می‌خواهد با نوشتن اخوانیه‌ای که به نوعی عذرخواهی به شمار می‌رود، از او دلجویی کند.

نویسندگان عصر صفوی که به دنبال تجدید حیات ادبی خود و سخن ادبی بودند تا اینکه بتوانند هویت از دست رفته و اضمحلال ادبیات این دوره را به نوعی جبران کنند اغلب به سبک کهن خراسانی توجه داشتند و در زبان و مسئل لغوی بدان توجه نموده اند اما در قلمرو فکری بیشتر به شاعران عراقی توجه داشتند.

در قلمرو ادبی نویسنده این کتاب و مشخصا در نامہ‌های اخوانی توجه خاصی به جناسها خصوصا جناس‌های اشتقاق - که در سجع سازی اهمیت دارند - و جناس نقطه نگاهی ویژه دارد و دارای بسامد زیادی است.

بسامد زیاد در واج آرایبی یا نغمه حروف نشان از آهنگین بودن و تأثیرگذار بودن این نامہ‌ها به دلیل دارا بودن موسیقی کلام است. توجه به عناصر طبیعت و عناصر زیبایی شناسی از دیگر مواردیست که سبب برجستگی این مکتوبات است. از دیگر ویژگی‌های سبکی این نویسنده اطناب‌های ممل - جمله‌های طولانی مرکب که مخمل دریافت مفهوم می‌شود، است که همین ویژگی به این مسأله منجر می‌شود که آغاز و پایان جمله‌ها نامعلوم باشد.

منابع:

- بهاء‌الدین بغدادی، محمد بن موید، (۱۳۱۵)، التوسل الی التوسل، به کوشش احمد بهمنیار، تهران.
 پروین گنابادی، بهرام، (۱۳۸۴)، «اخوانیات»، مقاله دانشنامه زبان و ادب فارسی، تهران.
 تاجبخش اسماعیل، (۱۳۸۴)، «اخوانیات اخوان» مجله حافظ، شماره ۲۲، صص ۲۲ - ۱۶.
 ثعالبی، ابومنصور عبدالملک، (۱۲۰۳ق، ۱۹۸۳م)، یتمه الدهر، به کوشش مفید محمدقمیحه، بیروت،
 جوینی، منتجب الدین، (۱۳۲۹)، عتبه الکتبه، به تصحیح محمدقزوینی و عباس اقبال، تهران.
 حافظ شیرازی، شمس الدین محمد (۱۳۸۸)، دیوان حافظ، به تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی، به اتمام ناهید فرشاد مهر، چاپ هشتم، تهران، گنجینه

- خالقی راد، حسین، (۱۳۷۵)، قطعه و قطعه سرایی در شعر فارسی، ج اول، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- خطیبی، حسین، (۱۳۷۵)، فن نثر در ادب فارسی، چ دوم، تهران: انتشارات زوار.
- دانشگر، محمد، (۱۳۸۳)، نامه نگاری گام به گام، چاپ اول، تهران: طلایه.
- راوندی، مرتضی، (۱۳۵۹)، تاریخ اجتماعی ایران: ج چهارم؛ تهران، امیرکبیر، چاپ نخست.
- شمیسا، سیروس، (۱۳۸۷)، انواع ادبی، چ سوم (ویرایش چهارم)، تهران: میترا.
- قلقشندی، شهاب الدین ابوالعباس، (بی تا) صبح الاعشی فی صناعة الانشاء، مصر.
- قیاسی، سید وهاب، (۱۳۹۴)، مکاتبات منثور و منظوم شعرا و فضلالی نامی ایران، چاپ اول: تهران: صراط.
- نظامی گنجه‌ای، الیاس ابن یوسف، (۱۳۹۲)، مخزن الاسرار، به کوشش سعید حمیدیان، چاپ دوازدهم، تهران، قطره.
- میهنی، عبدالخالق، (۱۹۶۴)، دستور دبیری، به کوشش عدنان آرزوی، بی جا.
- همایون کاتوزیان، محمدعلی، (۱۳۷۸)، اخوانیات عارفنامه ایرج، مجله ایرانشناسی، سال یازدهم، شماره ۴۱.